

نگاهی اجمالی بر نحوه تعامل رجالیان با رجال کَشّی

رحیمه شمشیری (استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کوثر بجنورد)
shamshiri@kub.ac.ir

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۰۲)

چکیده

رجال کَشّی یکی از کهن ترین آثار رجالی است که در ساختار خود متمایز از همه منابع رجالی امامیه است. این کتاب دارای ساختاری روایی و نظامی نسبتاً طبقاتی است. رجال کَشّی از زمان تدوین تا کنون کم و بیش مورد توجه دانشیان رجال و جز آن به ویژه در حوزه تاریخ تشیع بوده است. این مقاله به اجمال سرگذشت این کتاب و نحوه تعامل رجالیان با آن در سده‌های گوناگون را در چهار مقطع زمانی به دست داده است و نشان داده است کتاب اختیار معرفة الرجال همواره کانون توجه رجالیان بوده است. در سده‌های دهم تا دوازدهم از حیث مرتب نویسی و حاشیه نویسی و در سده معاصر بیشتر از حیث محتوا مورد تحلیل و تدقیق قرار گرفته است. همچنین از حیث نقل روایات متعارض مدح و ذم رویکرد عالمان رجالی بیشتر رویکرد نقد سندی بوده است تا اینکه علامه شوشتری در این عرصه تحلیل محتوای روایات را نیز مورد توجه ویژه قرار داد.

کلیدواژه‌ها: رجال کَشّی، اختیار معرفة الرجال، ابوعمرو کَشّی، شیخ طوسی، روایات رجالی.



۱. درآمد

دانش رجال یکی از شاخه‌های علوم حدیث است و موضوع آن راوی شناسی و هدف آن تمیز روایات صحیح از ضعیف و نامعتبر به وسیله معرفی راویان حدیث و شناسایی راویان ضعیف از جز آن است. به سبب گسترش جعل و دس در احادیث اهل بیت ۰٪ و اعتبارسنجی آنها، دانش رجال از دیرباز مورد توجه اندیشمندان مسلمان بوده است و در این باره کتاب‌هایی تدوین کرده‌اند و سیر تدوین آثار و مجامع رجالی تا کنون ادامه داشته است. هر یک از مؤلفان به ویژه در دوره متقدم، در تدوین اثر خود رویکرد و هدف ویژه‌ای داشته و این رویکرد و هدف موجب تفاوت ارائه نوع اطلاعات رجالی و گاه سبک تدوین و چینش اسامی راویان شده است. یکی از کهن‌ترین آثار رجالی که در ساختار خود متمایز از همه منابع رجالی امامیه است رجال کشی است که دارای ساختاری روایی و نظامی نسبتاً طبقاتی است. این کتاب از زمان تدوین تا کنون کم و بیش مورد توجه دانشیان رجال و جز آن بوده است. از آنجا که در دهه‌های اخیر توجه به گزارش‌های رجال کشی به عنوان یک کتاب کهن بیش از پیش مورد توجه پژوهشگران به ویژه مستشرقان و به خصوص در حوزه تاریخ متقدم تشیع و مباحث فرقه شناسی و جریان شناسی قرار گرفته است این مقاله درصدد این برآمده است تا به روش توصیفی و به شیوه کتابخانه‌ای سرگذشت و نحوه تعامل عالمان رجالی با این کتاب را بررسی کند و میزان اهمیت کتاب و نوع مواجهه با روایات و گزارش‌های آن را از منظر دانشیان علم رجال مورد مطالعه قرار دهد. از این رو این نوشتار، تعامل رجالیان شاخص در سده‌های گوناگون را در چهار مقطع زمانی تحت عناوین سده‌های متقدم، سده‌های میانه، سده‌های متأخر و دوره معاصر را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است.

مطابق جستجوی نویسنده تاکنون در هیچ پژوهشی نحوه عملکرد رجالیان با رجال کشی مورد مطالعه قرار نگرفته است. این تحقیق حاصل مطالعه مواضع گوناگون از مهمترین کتاب‌های رجالی شیعی است تا مقدار اهمیت، نحوه مواجهه و عملکرد رجالیان به هنگام نقل از رجال کشی را باز یابد و در این راستا اهمیت بیش از پیش این اثر کهن تاریخی رجالی امامیه را متذکر گردد.

شایان ذکر است در این مقاله مقصود از دوره متقدم سده‌های سه تا پنج هجری، دوره میانه سده‌های شش تا نه هجری، دوره متأخر، سده‌های ده تا چهارده هجری و دوره معاصر، سده چهاردهم هجری است. همچنین مقصود از رجالیان متقدم؛ نجاشی، ابن غضائری و شیخ طوسی،

مقصود از رجالیان سده‌های میانه؛ احمد بن طاووس، ابن داود حلی و علامه حلی و مقصود از رجالیان سده‌های متأخر و معاصر، سه رجالی شاخص؛ علامه مامقانی، علامه شوشتری و آیت‌الله خویی است.

۲. معرفی رجال کَشّی و مؤلف آن

محمد بن عمر بن عبدالعزیز کَشّی (د. بین سال‌های ۳۴۰-۳۶۰) منسوب به کَشّ^{۳۱} و از محدثان امامی اواخر سده‌ی سه و نیمه سده‌ی چهار هجری است. تاریخ دقیق ولادت و درگذشت او همچون بسیاری از عالمان این منطقه، نامعلوم است. ولی باملاحظه سال وفات معاصران، مشایخ و شاگردان او می‌توان زمان تقریبی فعالیت علمی و درگذشت او را حدس زد. او را معاصر محمد بن یعقوب کلینی و علی بن بابویه قمی (هر دو د. ۳۲۹ ق)، و از دانشمندان نیمه دوم قرن سوم و نیمه اول قرن چهارم هجری به شمار آورده‌اند. کَشّی، فراگیری علوم دینی را نزد استادان غالباً بومی خود در شهرهای کَش و سمرقند گذرانده است. او را از جمله اصحاب و غلمان عیاشی نام برده‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷ق؛ ص ۳۷۲؛ طوسی، الف، ۱۳۸۱ق؛ ص ۴۴۰). مذهب کَشّی، شیعه دوازده امامی است (نجاشی، ۱۴۰۷ق؛ ص ۳۷۲). شیخ طوسی او را «حَسَن الاعتقاد» و «مستقیم المذهب» توصیف کرده است (طوسی، ب، ۱۳۸۱ق؛ ص ۴۰۳؛ همو؛ الف، ۱۳۸۱ق؛ ص ۴۴۰). البته با توجه به نام پدر و موطن سَنّی پرور و پیشینه مذهبی مهم‌ترین استاد او، می‌توان گفت، سابقه سنی بودن در اجداد دور یا نزدیک وی محتمل است. شخصیت علمی کَشّی از سوی بزرگان رجالی مورد تمجید واقع شده است (طوسی، الف، ۱۳۸۱ق؛ ص ۴۴۰؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق؛ ص ۳۷۲). تنها نکته‌ای که درباره شخصیت حدیثی او وجود دارد روایت بسیار از مشایخ ضعیف است (نجاشی، ۱۴۰۷ق؛ ص ۳۷۲).

نام دقیق کتاب رجال کَشّی معلوم نیست. نجاشی و شیخ طوسی از کتاب او با عنوان «کتاب الرجال» یاد کرده‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷ق؛ ص ۳۷۲؛ طوسی، ب، ۱۳۸۱ق؛ ص ۴۰۳؛ همو؛ الف، ۱۳۸۱ق؛ ص ۴۴۰). در فهرست شیخ، در آنجا که فهرست تألیفات خود را برشمرده، در پایان این

۳۱. کَشّ: به فتح کاف و تشدید شین، شهری در چند فرسخی سمرقند در منطقه ماوراءالنهر. این شهر امروزه بانام «شهر سبز» یکی از شهرهای ازبکستان به شمار می‌رود. غلامعلی، مهدی؛ تاریخ حدیث شیعه در ماوراءالنهر و بلخ، ص ۷۱.

فهرست نام کتاب «اختیار الرجال» به چشم می‌خورد (ص ۴۵۱). شیخ در شرح حال احمد بن داود بن سعید معروف به ابویحیی جرجانی می‌نویسد: «ذکره الکشی فی کتابه فی معرفة الرجال» (طوسی، ب، ۱۳۸۱ق؛ ص ۸۰).

در عبارات پایانی هر جزء کتاب اختیار معرفة الرجال، چند عنوان متفاوت آمده است که به احتمال زیاد این عبارات از شیخ طوسی است؛ در آغاز و پایان جزء پنجم کتاب آمده است: «کتاب أَبِي عَمْرٍو الْكَشِّي فِي مَعْرِفَةِ الرَّجَالِ» (طوسی ۱۴۰۹ق؛ ص ۳۶۳، ۴۵۳) و در پایان جزء سه و چهار «کتاب أَبِي عَمْرٍو الْكَشِّي فِي أَخْبَارِ الرَّجَالِ» ذکر شده است (طوسی، ۱۴۰۹ق؛ ص ۲۸۰، ۳۶۲).

بنابراین سه عنوان «کتاب الرجال»، «معرفة الرجال» و «اخبار الرجال»^{۳۲} برای کتاب رجالی کشی محتمل است. علامه مجلسی (۱۴۰۳ق؛ ج ۱، ص ۱۶)، بحر العلوم (۱۳۶۳ش؛ ج ۳، ص ۲۳۱)، کلباسی (۱۴۱۹ق؛ ج ۱، ص ۸۷) و شوشتری (۱۴۲۲ق؛ ج ۱، ص ۲۴) نام اصلی کتاب را معرفة الرجال و تهذیب و تلخیص شیخ طوسی از این کتاب را اختیار معرفة الرجال دانسته‌اند.

ناگفته نماند، ابن شهر آشوب نام کتاب را معرفة الناقلين عن الاثمه الصادقين % دانسته است (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق؛ ص ۱۳۷؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق؛ ج ۱، ص ۳۶۵) اما شاهدی در تأیید این سخن وجود ندارد. به تصریح فهرست نویسان امامی، معرفة الناقلين عنوان اثر رجالی دو تن از مشایخ مهم کشی به نام‌های محمد بن مسعود عیاشی و نصر بن صباح است (نجاشی، ۱۴۰۷ق؛ ص ۳۵۱، ۴۲۸؛ طوسی، ب، ۱۳۸۱ق؛ ص ۳۹۷).

اصل کتاب رجال کشی به دست ما نرسیده است اما از گزینش شیخ طوسی معلوم می‌گردد که آن، کتابی به سبک کتاب طبقات محمد بن سعد کاتب واقدی بوده است (واعظ زاده خراسانی، ۱۴۰۹ق؛ ص ۹). کتابی با ساختار روایی و طبقاتی که روایات رجالی تاریخی در آن نقل شده است. موضوع کتاب، ذکر احوال و طبقات راویان حدیث از زمان حضور امامان: تا عصر مؤلف است و مبنای آن، روایات و اخبار مستند در بیان ویژگی‌های راویان در محدوده آنچه با عدالت و وثاقت آنان و نیز حدیث‌شناسی و طبقه‌شناسی آنان قرار می‌گیرد، است.

۳۲. این احتمال وجود دارد که در فهرست شیخ طوسی «اخبار الرجال» به «اختیار الرجال» تصحیف شده باشد.

شیوه عمومی کشی در ارائه اطلاعات رجالی، غالباً گزارش احادیث و اخباری با مضامین بیان اطلاعات هویتی راوی، بیان راویان و مروی عندها و تعیین طبقه راوی و گاه جرح و تعدیل و مدح و ذم راوی است؛ روایاتی که گاه گوینده آن امامان : و گاه اصحاب امامان : است. البته کشی گاه آرای رجالی مشایخ خود و مهم‌تر از آن آرای طبقه مشایخ مشایخ خود را که عمدتاً از مشایخ مهم و موثر در علم رجال بوده‌اند را نیز گزارش کرده است.

به نظر می‌رسد رجال کشی کتابی کشکول مانند بوده که در آن بنا بر انگاره‌های ذهنی مؤلف ثبت هرگونه روایت مستند هر چند ضد و نقیض در آن جایز بوده است!^{۳۳} این طور به نظر می‌رسد کشی ضمن بیان تاریخ و تراجم راویان احادیث و بیان وضعیت رجالی آنان، درصدد ارائه شفاف تاریخ اندیشه و حدیث امامیه در سده‌های دوم و سوم هجری بوده است. هدف کشی صرف ارائه آرای رجالی مستند به روایات نبوده است؛ او به قصد ارائه جامع اطلاعات مستند درباره راویان، کتابش را تدوین کرده است.

شیخ طوسی کتاب رجال کشی را در اوایل سال ۴۵۶ق در نجف بر شاگردان خود املاء کرده است (ابن طاووس، ۱۳۶۸ق؛ ص ۱۳۰-۱۳۱) و از آن در فهرست خود با عنوان اختیار الرجال یاد کرده است (طوسی، ب، ۱۳۸۱ق؛ ص ۴۵۱).^{۳۴} نسخه موجود، تصحیح چند نسخه باقیمانده^{۳۵} از گزینش شیخ طوسی است که با عنوان اختیار معرفة الرجال به چاپ رسیده است.^{۳۶}

۳۳. باید گفت یا کشی روایت کردن از ضعیفان را دست کم در گستره رجال ناپسند نمی‌دانسته است و یا آن را اگر چه ناپسند می‌دانسته ولی به سبب ولعی که نوعاً محدثان در نقل منقولات دارند او نیز از نقل از مشایخ ضعیف ابایی نداشته است.

۳۴. احتمال قوی وجود دارد این نام را شاگردان یا نسخه نویسان بعداً در متن فهرست، افزوده باشند. همچنین، احتمال دارد نام کتاب اساساً توسط شاگردان شیخ مطرح شده باشد. اساساً کتابی در کار نبوده و شیخ بر شاگردان املاء کرده است و بعدها شاگردان به نام او ثبت کرده‌اند. وضعیت یک کتاب تدوینی نداشته است.

۳۵. در کتابخانه‌های ایران تاکنون ۲۵ نسخه از اختیار الرجال یافت شده است که بیشتر آنها متعلق به سده یازدهم هجری است. توضیح بیشتر در این باره ر.ک: رحمان ستایش، ۱۳۹۳ش، ص ۴۰۷.

۳۶. اختیار معرفة الرجال چاپ‌های متعددی دارد. بهترین چاپ و تصحیحی که تا کنون انجام شده است و مورد ارجاع ما در این رساله قرار گرفته است، نسخه‌ای است به تصحیح سید حسن مصطفوی که به مناسبت

کتاب اختیار معرفة الرجال در شش جزء و تقریباً بر اساس ترتیب زمانی راویان تنظیم شده است. اسامی راویان تا حد زیادی به ترتیب مصاحبت هر یک از آنان با معصومان: فرار گرفته‌اند. این اسامی ترتیب الفبایی ندارد و باب‌هایی که اصحاب هر امام را از اصحاب دیگر امام جدا سازد نیز وجود ندارد. بررسی راویان فرقه‌هایی همچون زیدیه، فطحیه، واقفیه و... با عناوین مستقل انجام گرفته است. بنا بر شمارش نسخه تصحیح شده مصطفوی، در این کتاب ۱۱۵۱ روایت درباره ۵۲۰ راوی گزارش شده است که در مدح و ذم یا جرح و تعدیل راویان شیعی و گاه غیر شیعی وارد شده است (رحمان ستایش، ۱۳۹۳ش؛ ص ۴۴۱-۴۴۳).

در این مجموعه، روایات رجالی غالباً با ذکر سند آمده است. اسانیدی که البته، نقصان‌هایی اعم از تعلیق، ارسال، خلط، تحریف و... دارد.

۳. رجال کثی در سده‌های متقدم

ابوعمر و کثی کتاب معرفة الرجال^{۳۷} خود را پس از سال‌ها شاگردی در مدرسه دینی عیاشی و با در اختیار داشتن مجموعه‌ای از کتاب‌های عالمان متقدم دینی و نیز تألیفات مشایخ خود و مشایخ اساتیدش، به احتمال زیاد در سمرقند - مرکز علمی شیعه در ماوراءالنهر در نیمه سده سه و اوایل سده‌ی چهار هجری - تدوین کرد. او به احتمال زیاد در سال‌های میانی عمر به‌عنوان شیخ حدیث، کتابش را برای تعدادی از شاگردانش قرائت و تدریس کرده است. در میان شاگردان کثی شاگردانی از دو بوم عراق و قم (نجاشی، ۱۴۰۷ق؛ ص ۳۷۲؛ طوسی، ب، ۱۳۸۱ق؛ ص ۴۰۳) وجود دارد؛ جعفر بن محمد بن قولویه و هارون بن موسی تلکبری دو راوی کتاب رجال کثی در قم و کوفه بودند. در همین سال‌ها استنساخ این کتاب آغاز می‌شود و به‌زودی نسخه‌هایی از کتاب در دو مرکز اصلی تشیع منتشر می‌شود. در اوایل انتشار کتاب معرفة الرجال در قم و بغداد، رویکرد جرح و تعدیلی به‌ویژه در بغداد کمتر مورد توجه بوده و مشایخ این بوم نوعاً، تألیف رجالی

هزاره تولد شیخ طوسی در سال ۱۳۴۸ شمسی در ایران و در چاپخانه دانشگاه فردوسی مشهد، با عنوان اختیار معرفة الرجال انجام شده است.

۳۷. از این قسمت به بعد به منظور این که میان اصل کتاب با اختیار و گزینش شیخ طوسی خلط نشود از اصل کتاب با عنوان معرفة الرجال یاد می‌کنیم.

نداشته‌اند.^{۳۸} اما در قم که نص‌گرایی، جریان غالب بوده است، رویکردهای متعددی وجود داشته از جمله طیفی به جرح و تعدیل توجه داشته و دارای تألیف‌های رجالی در سبک و ساختارهای متنوع بودند. می‌توان حدس زد عالمان مراکز تشیع در گذار دهه‌های پایانی سده چهارم و انتقال به سده پنجم هجری به دلایل متعددی از جمله تألیف کتابی توسط مؤلفی دور از مراکز تشیع و در کانون محافل علمی اهل تسنن که در این زمان‌ها تعصب حاکمان اهل تسنن در آن نمایان‌تر بوده است، کتابی که از منابع و مشایخ ناشناس و مجهول و بعضاً ضعیف نزد عالمان مراکز تشیع تدوین شده است، و شاید بدخطی مؤلف آن‌گونه که شوشتری از آن یاد کرده است (شوشتری، ۱۴۲۲ق؛ ج ۱، ص ۵۹)^{۳۹} و ... کمتر به این اثر اقبال داشته‌اند و از این رو تعداد کمی از این کتاب استنساخ می‌شده است.

شیخ صدوق (د. ۳۸۱ق) در نیمه سده چهارم هجری در سال ۳۵۲ هجری در نیشابور احادیثی را از یکی از مشایخ نیشابوری خود به نام عبدالواحد بن محمد بن عبدوس به نقل از کشی در موضوع غیبت حضرت مهدی (عج) شنیده است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق؛ ص ۳۱۶، ۳۲۹). اگر چه می‌توان این احتمال را داد که کشی راوی کتاب الغیبه عیاشی (نجاشی، ۱۴۰۷ق؛ ص ۳۵۲) بوده باشد اما در این صورت شیخ صدوق مطلب را به عیاشی می‌رساند که شخصیتی موجه‌تر از کشی و استاد وی بوده است. از این رو هر چند این روایات در نسخه اختیار معرفه الرجال شیخ طوسی موجود نیست اما احتمال وجود کتاب کشی نزد شیخ صدوق را نفی نمی‌کند.^{۴۰}

۳۸. می‌توان دلیل آن را نگرش آنان در باب حجیت نداشتن اخبار آحاد دانست.

۳۹. از نظر شوشتری یکی از وجوه عدم اقبال معاصران به کتاب کشی، اکثر الاخذ بودن عیاشی از علی بن حسن بن فضال فطحی است که اگرچه «قریب الامر الی اصحابنا» بوده اما با این وجود، اصحاب به او اعتماد کامل نداشته‌اند. **شوشتری**، ۱۴۲۲ق؛ ج ۱، ص ۶۳. شوشتری احتمال می‌دهد رواج اندیشه‌ی توجه ویژه امامان به فطحیه، توسط فطحی‌ها برای ترویج مذهب خود بوده است. همان؛ ج ۱، ص ۶۴.

۴۰. شاید در وهله نخست برای خواننده این پرسش مطرح شود که روایات غیبت چه ربطی به کتاب رجال دارد؟! در پاسخ باید گفت: اگرچه عنوان کتاب، معرفه الرجال است اما روایاتی که در مدح و ذم راویان در آن نقل شده است. از آنجا که گزارش رویدادهای متفاوت در موقعیت‌های گوناگون است، از نظر موضوعی متنوع هستند و امکان دسته‌بندی موضوعی آن‌ها نیز وجود دارد. پس چندان دور از ذهن نیست که در یک روایتی که در موضوع غیبت امام عصر باشد، به مناسبت مدح یا ذم یک شخصیت نیز از آن دانسته شود.

در سده پنج هجری این کتاب نزد محدثان نسخه‌شناس و متمایل به جرح و تعدیل راویان مورد توجه بوده است. نجاشی (د. ۴۵۰ ق) و شیخ طوسی (د. ۴۶۰ ق) در تدوین کتاب‌های رجالی خود به «معرفة الرجال» کشی نظر داشته و گاه مواجهه انتقادی نسبت به برخی اطلاعات آن داشته‌اند.^{۴۱}

شیخ طوسی در تألیف فهرست و رجالش از معرفة الرجال کشی استفاده بسیار کرده است، سه مورد نقل شده از کشی در رجال شیخ طوسی در اختیار الرجال، موجود نیست (ص ۸۱، ش ۷۹۶؛ ص ۲۶۳، ش ۳۷۶۲؛ ص ۲۹۶، ش ۴۳۲۶). «بی‌گمان استفاده شیخ طوسی از اصل رجال کشی بیش از سه موردی است که در آن‌ها به نام کشی تصریح شده است. شاهد بر این مطلب، آن‌که: اولاً: عبارتهایی در رجال شیخ وجود دارد که نجاشی عین همان عبارت‌ها را از اصل رجال کشی نقل کرده است. برای نمونه، می‌توان به عبارت شیخ طوسی در شرح حال حسین بن اشکیب اشاره کرد که عین عبارتی است که نجاشی از کشی نقل کرده است (طوسی، الف، ۱۳۸۱ ق، ص ۳۹۸، ش ۵۸۳۶؛ نجاشی، ۱۴۰۷ ق؛ ص ۴۵، ش ۸۸). ثانیاً: شیخ طوسی بسیاری از عالمان کش و سمرقند را در باب «من لم یرو عنهم ع» نام برده که برخی از آنان از مشایخ کشی بوده‌اند، حال آنکه نام آنان در اختیار الرجال وجود ندارد». (رحمان ستایش، ۱۳۹۳ ش؛ ص ۳۵۱).

در دهه نخست نیمه دوم سده پنج هجری، حجم زیاد کتاب، ارائه اطلاعات بسیار و پراکنده درباره راویان در این کتاب، وجود خطاها و اشتباهات علمی بسیار در آن و یا هر دلیل دیگری، شیخ را بر آن می‌دارد تا همسو با انگاره‌های ذهنی و نظام فکری خود، به تلخیص و تهذیب کتاب روی آورد.

شواهدی از توجه ابن غضائری (د. ۴۱۳ ق) نیز به معرفة الرجال کشی و استفاده از آن وجود دارد؛ ابن غضائری به اجمال به ماجرای کشی دربار اسحاق بن محمد بصری از استادش، عیاشی شنیده و نقل کرده (طوسی، ۱۴۰۹ ق؛ ص ۵۳۰-۵۳۱) اشاره کرده است (ابن غضائری، ۱۴۲۲ ق؛ ص ۴۲). همچنین در نوبتی درباره یکی از مشایخی که عیاشی از او بسیار روایت نقل کرده است گفته است «فی مذهبه ارتفاع» (همان؛ ص ۴۷). پس از این مرحله دیگر

۴۱. موارد نقل نجاشی از رجال کشی: ص ۱۰، ۱۶، ۲۶، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۴-۴۵، ۷۴، ۱۰۲، ۲۵۹، ۳۲۸، ۳۳۱، ۳۳۴، ۴۴۷. موارد نقل شیخ از کشی در فهرست: ص ۸۰، ۳۸۱، در رجال ص ۸۱، ۲۶۳، ۲۹۶.

هیچ نشان و اثری از اصل کتاب کشی وجود ندارد. شاید ادامه روند عدم اقبال عمومی جامعه شیعی با ارزیابی نجاشی نسبت به وجود اشتباهات بسیار در این کتاب و نیز نقل بسیار مؤلف از مشایخ ضعیف، تشدید شده و در نهایت اقدام شیخ الطائفه نسبت به تلخیص و تهذیب آن باعث شد اصل کتاب برای همیشه به حافظه تاریخ سپرده شود و به جای آن کتاب اختیار معرفة الرجال شیخ طوسی، فقیه و متکلم امامی در بغداد شهره یابد. پس از تهذیب و املاء کتاب از سوی شیخ، کاتبان همواره انگیزه استنساخ آن را داشته‌اند. بدین طریق اصل کتاب رجال کشی به حاشیه رانده شد و منتخب شیخ مورد استنساخ و استفاده قرار گرفت.

۴. رجال کشی در سده‌های میانه

در سده هفت هجری، احمد بن طاووس (د. ۶۷۳ق) در جامع رجالی خود موسوم به حلّ الاشکال فی معرفة الرجال،^{۴۲} منتخب شیخ را در اختیار داشته است^{۴۳} و سعی در ارائه ترتیب در اسامی راویان و نیز تحلیل اجمالی برخی روایات آن به‌ویژه حلّ برخی تعارض‌های موجود در این کتاب با رویکرد نقد سندی پیردازد (ابن طاووس، احمد بن موسی، ۱۴۱۱ق، ص ۵؛ نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق؛ ج ۲، ص ۴۳۷). گویی دلیل اصلی تدوین کتاب حلّ الاشکال، پدیده تعارض روایات و گزارش‌های رجالی بوده است. احمد بن طاووس، در مقدمه حلّ الاشکال، قاعده‌ای کلی درباره تعارض میان جرح و تعدیل راویان بیان کرده است. وی نخست، راویان را به سه گروه تقسیم می‌کند: راویانی که درباره آنان، فقط مدح رسیده است؛ راویانی که درباره آنان، فقط ذم رسیده است و راویانی که درباره آنان، هم مدح و هم ذم آمده است. احمد بن طاووس درباره دسته اول و دوم، معتقد است اگر مدح یا ذم درباره آنان، از طریق حدیث معتبر برسد، به آن اعتماد می‌کنیم و

۴۲. حلّ الاشکال فی معرفة الرجال، نخستین کتابی است که جامع آرای رجالی متقدمان است. مؤلف در بخشی از آن اختیار الرجال را بر اساس ترتیب القیابی تنظیم کرده است. در این کتاب، همه روایت‌های اختیار معرفة الرجال وجود ندارد و بسیاری از روایت‌های نقل شده، به شیوه نقل به معنا و یا با اشاره گزارش شده‌اند. این کتاب اکنون موجود نیست و تحریر بخش مربوط به اختیار معرفة الرجال آن توسط شیخ حسن بن زین الدین، فرزند شهید ثانی و صاحب معالم با نام التحریر الطاووسی موجود است.

۴۳. سبحانی معتقد است اصل کتاب معرفة الرجال کشی نزد ابن طاووس و شهید ثانی بوده است! سبحانی، ۱۳۸۵ش؛ ص ۵۵. به نظر می‌رسد این طور نباشد و آن دو نیز منتخب شیخ را در دسترس داشته‌اند؛ زیرا روایات حلّ الاشکال همان دقیقاً روایات موجود در رجال کشی است و مطلبی کم‌وزیاد ندارد.

راوی را ثقه یا ضعیف می‌شماریم. اما اگر این‌گونه نباشد و روایت مدح یا ذم، از نظر سندی، مخدوش باشد، در این صورت، آن مدح یا ذم، بی‌اعتبار خواهد بود. اما درباره دسته سوم، راویانی که مدح و ذم هم‌زمان درباره آنان گزارش شده است، چنان‌چه بتوان یک دسته از روایات را ترجیح داد، بنا را بر ترجیح قرار می‌دهیم و به این ترتیب به وثاقت یا ضعف راوی حکم می‌شود؛ ولی اگر هر دودسته روایات مدح و ذم، بی‌اعتبار باشد یا اعتبار آن‌ها به‌گونه‌ای نباشد که بتوان یکی را بر دیگری ترجیح داد، در اینجا درباره آن راوی توقف می‌کنیم (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق، ص ۸-۹؛ حسین پوری، ۱۳۹۰ش؛ ص ۱۶۲-۱۶۳).

ابن طاووس، پس از بیان این قاعده کلی، یادآور می‌شود که اساساً به هنگام تعارض مدح و ذم درباره راوی، تردید در نکوهش‌های رسیده درباره او، سزاوارتر است؛ زیرا، ستودن افراد، مقتضای طبع اولی انسان نیست. چه بسیارند کسانی که به جهت رشک‌ها، کین‌ها یا عواملی دیگر، چشم خویش را بر امتیازهای دیگران می‌بندند و از یادکرد فضایل آنان یا اعتراف به آن، تن می‌زنند. بنابراین، آنگاه که درباره راوی مدح و ذم هم‌زمان رسیده باشد، اصل نخست، آن است که قبح را زیر سؤال برده و به آن با دیده تردید نگریست (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق، ص ۹؛ حسین پوری، ۱۳۹۰ش؛ ص ۱۶۴).^{۴۴}

تک شواهدی در عبارات ابن داوود حلی و علامه حلی نیز مبنی بر وجود اصل کتاب نزد آن دو وجود دارد (علامه حلی، ۱۴۱۱ق؛ ص ۴۴۵؛ ابن داوود حلی، ۱۳۸۳ق؛ ص ۲۵). که با توجه به شواهد بسیار، وجود اصل کتاب نزد این دو نیز پذیرفته نمی‌شود (ابن طاووس، ۱۳۶۸ق؛ ص ۱۳۰؛ ابن طاووس، ۱۴۱۱ق؛ ص ۴). علامه حلی در تعقیب روش استادش، احمد بن طاووس، نگاهی ویژه به روایات اختیار معرفه الرجال دارد. شیوه ارائه مطالب در خلاصه الاقوال به‌گونه‌ای است که بهتر می‌توان مبانی و معیارهای او در تحلیل روایات رجال را بازجست. او در مقایسه با استادش احمد بن طاووس و نیز قرین خود، ابن داوود حلی، توجه ویژه‌ای به مضامین روایات رجال کشی از حیث دلالت بر عدالت، مدح و قدح راوی دارد.

۴۴. برخی معتقدند این عبارات ابن طاووس بیانگر اجتهادی بودن آرای رجالیان به‌ویژه درباره جرح برخی راویان است. اکوش، ۲۰۱۴م؛ ص ۲۰۲.

صرف نظر از میزان استفاده از روایات رجال کشی از سوی نجاشی و علامه حلی، مطالعه مقایسه‌ای منقولات این دو اثر از رجال کشی، به خوبی بیانگر تفاوت نگرش و نوع استفاده رجالیان سده‌های متقدم و میانه نسبت به روایات رجال کشی است. نجاشی در بیشتر موارد در بیان مطالب شخصیت‌روایی راوی از رجال کشی بهره برده است و بعضاً روایات رجال کشی را از نظر فنی و ملاقات‌مشایخ و در یک کلام طبقه راوی به چالش کشیده است اما هیچ‌گاه از جرح و تعدیل برآمده از روایات رجال کشی سخن نگفته است؛ اما نگاه علامه حلی به اختیار معرفه الرجال و نوع استفاده او از این کتاب بسیار متفاوت است. او ضمن استفاده‌های فراوان از این کتاب، گاه اسانید روایات را تضعیف نموده و دلالت روایات را مطابق برداشت خود نیز بیان کرده است؛ اینکه مدح می‌رساند یا تعدیل و یا اینکه اساساً در روایتی اقتضای مدح و ذمی وجود ندارد و بدین طریق آن روایت را از کارکرد رجالی و جرح و تعدیلی ساقط می‌کند (علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۸، ۱۴، ۳۰، ۳۲، ۵۰، ۸۵، ۵۱، ۲۴۶، ۲۲۴ و ...).

تنها موردی که احتمال وجود اصل کتاب در نیمه سده نهم هجری در مناطق مصر و شام، آن‌هم نزد عالمان اهل تسنن ایجاد می‌کند، وجود نقل‌های بسیار ابن حجر عسقلانی (د. ۸۵۲ق) از رجال کشی است. او که در تدوین کتاب لسان المیزان، هرآن‌جا که درباره روایان شیعه می‌خواهد اطلاعات ارائه دهد، نوعاً به اقوال و آرای رجالیان متقدم امامیه ارجاع داده است و بعضاً خلط در انتساب عبارات به صاحبان کتب رجالی در کتاب او وجود دارد. ابن حجر عسقلانی در لسان المیزان، به نقل از کشی، نام و شرح حال ۷۶ نفر از رجال شیعه را آورده است که تنها ده مورد از آن‌ها در اختیار معرفه الرجال وجود دارند. اگرچه برخی محققان بر پایه شواهدی معتقدند ابن حجر عسقلانی، مستقیماً به منابع متقدم رجالی شیعی مراجعه نکرده است و مطالب خود را از کتاب الحاوی^{۴۵} ابن ابی طی شیعی (د. ۶۳۰ق) نقل کرده است.^{۴۶} اما در مقابل گروهی دیگر این دیدگاه را ضعیف دانسته و احتمال داده‌اند نسخه‌ای از اصل کتاب رجال کشی در اختیار ابن حجر عسقلانی بوده است (رحمان ستایش، ۱۳۹۳ش؛ ص ۴۳۵).

۴۵. ابن ابی طی الحلبی، یحیی بن حمید (د. ۶۳۰ق)؛ الحاوی فی رجال الشیعة الامامیة.

۴۶. انصاری، حسن؛ «جبریل بن احمد الفاریابی و انتساب کتابی به او»؛

<http://ansari.kateban.com/post/۱۹۹۷>

«رجال الشیعة ابن فضال، به روایت دارقطنی»؛ <http://ansari.kateban.com/post/۱۸۱۸>

۵. رجال کشی در سده‌های متأخر و معاصر

از قرن دهم، هم‌زمان با آغاز تفکر اخباریگری شیعی که موج جدیدی از حدیث‌گرایی در جوامع شیعی شکل گرفت، برخی طیف‌های محدثان درصدد برآمدند تا کتاب اختیار معرفه الرجال را بر پایه ترتیب اسامی راویان، تنظیم کنند. از این‌رو ترتیب‌های چندی از این کتاب ارائه گردید.^{۴۷} در این میان فقط دو نفر را می‌شناسیم که درصدد حاشیه‌نگاری بر برخی روایات اختیار معرفه الرجال برآمده‌اند؛ عنایت‌الله قهپایی (ق ۱۱) در الحواشی علی الکشی و میرداماد (د. ۱۰۴۰ ق) در الحاشیه علی رجال الکشی مشهور به تعلیقه رجال الکشی. میرداماد به اتمام حاشیه خود موفق نگردیده و این حاشیه در اوایل جزء ششم اختیار الرجال به پایان رسیده است.^{۴۸} در این تعلیقه، اگرچه همه روایات و در همه جوانب مورد بحث واقع نشده است اما وجود نکته‌هایی در شرح و توضیح برخی عبارات و اصطلاحات، بر ارزش آن افزوده است. نکته‌ای که در این تعلیقه قابل توجه است این است که در برابر روایات متعارض نوعاً سکوت شده است.

رجالیان متأخر نیز نوعاً در تدوین آثار رجالی خود، پس از استناد به اقوال نجاشی و شیخ، بعضاً برخی روایات اختیار معرفه الرجال را نقل کرده‌اند و در برابر روایات متعارض آن همچون عالمان رجالی مکتب حله، به نقد سندی و دلالتی روایات پرداخته‌اند. این رویکرد بیشتر در تنقیح المقال علامه مامقانی نمود دارد.

علامه مامقانی اگرچه به نقد سندی روایات نکوهش توجه دارد اما افراط در این رویکرد نزد احمد بن طاووس را مورد نقد قرار داده است و رویکرد اصلی خود را توجیه مضامین این روایات یا ارائه راهکار دیگری برای حلّ تعارض روایات قرار داده است.^{۴۹}

۴۷. ترتیب الکشی، سید یوسف بن محمد بن محمد بن زین الدین حسینی عاملی، تالیف در ۹۸۱ق، ترتیب الکشی، ملاً عنایت‌الله قهپایی تالیف در ۱۰۱۱ق، ترتیب الکشی، داوود بن حسن بن یوسف بحرانی (م ۱۱۰۴ق)، مجمع الرجال، قهپایی اصول پنجگانه رجالی و ترتیب رجال کشی، در ۱۰۱۶ق به پایان رسیده است.

۴۸. این کتاب به وسیله موسسه آل‌البیت (ع) در دو جلد چاپ شده است.

۴۹. در پایان این مبحث لازم به تذکر است علامه مجلسی (د. ۱۱۱۰ق) در بحارالانوار به نوعی روایات رجال کشی را به تفکیک موضوع آورده و در موضوعاتی چون تاریخی، فقهی، آداب و سنن و ... آن روایات را مورد

دو عالم رجالی معاصر؛ آیت‌الله خوبی و شوشتری، عنایت ویژه‌ای به روایات اختیار معرفه الرجال داشته‌اند و بیشتر روایات این کتاب درباره راوی مورد بحث خود را، نقل و مورد ارزیابی قرار داده‌اند. این دو عالم رجالی، هر از چند گاه از بد دفاع کردن علامه مامقانی {توجیه روایات قدح} انتقاد کرده‌اند و معتقدند او می‌بایست به جای این توجیهاات نامناسب مستقیماً اسانید این روایات را تضعیف می‌کرده است (خوبی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۲۳۷؛ شوشتری، ۱۴۲۲ق؛ ج ۱۲، ص ۴۴۱). ارزیابی‌های آیت‌الله خوبی غالباً از نوع ارزیابی‌های سندی روایات است و تحلیل‌های علامه شوشتری بیشتر متمرکز در متن روایات است. دقت و موشکافی‌های شوشتری و بازایی موارد واقعی تصحیف و تحریف و گاه خلط اسانید و متون روایات، ستودنی است اما گاه از دقت او کاسته شده و خواننده احساس می‌کند او درباره بازایی موارد تصحیف، دچار افراط شده است. تصحیف گزایی بی رویه و افراطی علامه شوشتری نسبت به روایات و گزارش‌های اختیار معرفه الرجال، به‌نوعی ذوقی و سلیقه‌ای بودن احتمال وقوع برخی تصحیفات پیشنهادی را تقویت می‌کند.

۶. نتیجه

کتاب رجال کشی از ابتدای تدوین همواره مورد توجه رجالیان بوده است. رجالیان متقدم ضمن استفاده‌های نکات مهمی چون طبقه راوی، روایت داشتن یا نداشتن از معصوم، توثیق و تضعیف راوی و ... از این کتاب، رویکردی انتقادی نیز به این کتاب داشته‌اند. از زمان تدوین اختیار معرفه الرجال توسط شیخ طوسی اصل کتاب رجال کشی به حاشیه رانده و منتخب آن کانون توجه و استنساخ نسخه نویسان قرار گرفت.

در سده‌های میانه و همزمان با تحول در ملاک‌های اعتبارسنجی احادیث، احمد بن طاووس مبدع طرح تقسیم حدیث بر اساس ویژگی‌های راویان، ضمن توجه و تحول در تدوین کتاب‌های رجالی، ترتیب و تنظیمی نو از اختیار معرفه الرجال ارائه داد و همسو با مکتب سندی خود، اولین گام‌ها را در مسیر تحلیل روایات رجالی برداشت. علامه حلی و ابن داود حلی در تعقیب روش استادشان، احمد بن طاووس، نگاهی ویژه به روایات اختیار معرفه الرجال داشتند. در این میان

استفاده قرار داده است. به عبارتی می‌توان گفت وی در بحارالانوار نظام دهی موضوعی رجال کشی را به انجام رسانده است.

علامه توجه ویژه‌ای به مضامین روایات رجال کَشّی از حیث دلالت بر عدالت، مدح و قدح راوی معطوف کرد.

از میانه قرن دهم هجری برخی طیف‌های محدثان درصدد برآمدند تا کتاب اختیار معرفه الرجال را بر پایه ترتیب اسامی راویان، تنظیم کنند. همچنین در سده یازدهم برای نخستین بار دو حاشیه بر رجال کَشّی نوشته شده است که روایات را از حیث سند و متن مورد مذاقه قرار داده است.

رجالیان دوره معاصر در ارزیابی خود نسبت به راویان ضمن نقل و توجه به اقوال و آرای رجالیان پیشین به روایات رجال کَشّی هم توجه داشته‌اند. در این میان بیشترین اهتمام، دقت و نکته‌سنجی‌ها توسط علامه شوشتری صورت گرفته است. وی افزون بر رویکرد نقد سندی که غالب رجالیان آن را مورد توجه قرار داده‌اند، از حیث محتوا روایات را مورد بررسی قرار داده و در این راستا برخی آسیب‌های متنی و سندی وارده در روایات رجال کَشّی را متذکر شده است.

کتابنامه

۱. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳ق)؛ الذریعة الى تصانیف الشيعة؛ بیروت، دارالاضواء، الطبعة الثالثة.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)؛ کمال الدین و تمام النعمة؛ تهران، اسلامیه، چاپ دوم.
۳. ابن حجر، احمد بن علی (۱۳۹۰ق)؛ لسان المیزان؛ بیروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، چاپ دوم.
۴. ابن داوود حلی، حسن بن علی (۱۳۸۳ق)؛ رجال ابن داود؛ تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۸۰ق)؛ معالم العلماء؛ نجف، مطبعة الحیدریه.
۶. ابن طاووس، احمد بن موسی (۱۴۱۱ق)؛ مقدمه حل الاشکال ضمن التحریر الطاووسی؛ إشراف: سید محمود مرعشی، قم، مکتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی، الأولى.
۷. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۶۸ق)؛ فرج المهموم في معرفة نهج الحلال من علم النجوم؛ قم، دار الذخائر، چاپ اول.
۸. ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۴۲۲ق)؛ الرجال؛ تحقیق: محمدرضا حسینی جلالی؛ قم، دار الحدیث، چاپ اول.
۹. الاکوش، احمد کاظم (۲۰۱۴م)؛ علم الرجال الشیعی و اثره فی تمزیق حدیث اهل البيت %؛ بیروت، الانتشار العربی.
۱۰. انصاری، حسن؛ «رجال الشیعه ابن فضال، به روایت دارقطنی»؛ <http://ansari.kateban.com/post/۱۸۱۸>
۱۱. بحر العلوم، محمدمهدی (۱۳۶۳ش)؛ رجال السید بحر العلوم المعروف بالفوائد الرجالیه؛ تحقیق: محمداصدق و حسین بحر العلوم؛ مکتبه الصادق (علیه السلام)، تهران.
۱۲. حسین پوری، امین (۱۳۹۰ش)؛ اندیشه شناسی محدثان حله، قم، دار الحدیث، اول.

۱۳. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق)؛ رجال العلامة الحلی؛ قم، دار الذخائر.
۱۴. خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ق)؛ معجم رجال الحديث؛ مرکز نشر آثار شیعه، قم.
۱۵. رحمان ستایش، محمد کاظم و محمدرضا جدیدی نژاد (۱۳۹۳ش)؛ بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه؛ قم، دارالحديث، چاپ دوم.
۱۶. سبحانی، جعفر (۱۳۸۵ش)؛ کلیات فی علم الرجال؛ ترجمه: علی اکبر روحی و مسلم قلی پور گیلانی؛ چاپ دوم، انتشارات قدس، قم.
۱۷. شوشتری، محمدتقی (۱۴۲۲ق)؛ قاموس الرجال؛ قم، مؤسسه النشر الإسلامی، الأولى.
۱۸. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۳۰ق)؛ حاشیه الشهید الثانی علی خلاصه الاقوال للعلامة حلی؛ تحقیق: شیخ نزار الحسن؛ مؤسسه البلاغ، بیروت.
۱۹. صاحب معالم، حسن بن زین الدین (۱۴۱۱ق)؛ التحرير الطاووسی؛ المستخرج من کتاب حل الاشکال احمد بن طاووس؛ قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)؛ اختیار معرفة الرجال معروف برجال الکشی؛ مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۲۱. _____ (۱۳۸۱ق/الف)؛ الرجال؛ انتشارات حیدریه، نجف، ۱۳۸۱ق.
۲۲. _____ (۱۳۸۱ق/ب)؛ فهرست؛ نجف، مطبعه حیدریه، ۱۳۸۱ق.
۲۳. غلامعلی، مهدی (۱۳۹۲ش)؛ تاریخ حدیث شیعه در ماوراءالنهر و بلخ؛ قم، دارالحديث.
۲۴. کلباسی، ابوالهدی (۱۴۱۹ق)؛ سماء المقال؛ تحقیق: محمد حسینی قزوینی؛ قم، مؤسسه ولي العصر % للدراسات الإسلامية، الأولى.
۲۵. مامقانی، عبدالله (بی تا)؛ تنقیح المقال فی علم الرجال؛ نجف، مطبعه مرتضویه، چاپ سنگی.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار، بیروت، دار إحياء التراث العربي.

۲۷. میرداماد استرآبادی، محمدباقر (۱۳۶۳ش)؛ التعليقه على اختيار معرفة الرجال؛ قم، مؤسسة آل البيت ..
۲۸. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق)؛ رجال النجاشی؛ انتشارات جامعه مدرسين، قم.
۲۹. نوری طبرسی، حسین (۱۴۰۸ق)؛ خاتمه مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ قم، مؤسسه آل البيت : لاحياء التراث.
۳۰. واعظ زاده خراسانی، محمد (۱۴۰۹ق)؛ مقدمه اختيار معرفة الرجال؛ مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، چاپ اول.

